

# آسیب‌شناسی نخبگان

● حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سالار\*

## چکیده

در این مقاله ابتدا، واژه نخبه بررسی شده و نخبگان به دو گروه فکری و ابزاری مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه بحث با استناد به سیره عملی پیشوایان بزرگ اسلامی، به وظیفه خطیر مسئولان در مورد واگذاری اداره امور به شایستگان و افراد نخبه اشاره شده است.

همچنین رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص توجه و اهمیت دادن به نخبگان، تقویت روحیه و ارج نهادن به نوآوری‌ها و خلاقیت‌های آنها، فراهم ساختن ابزارها و امکانات لازم و کافی برای باروری و شکوفایی استعدادها مطرح گردیده است.

علاوه بر این، مهم‌ترین آفت‌ها و آسیب‌هایی که در داخل و خارج از کشور، نخبگان را تهدید می‌کند، همچون: نارسایی‌های نظام اداری، کشمکش‌های سیاسی، نبود مدیریت متمرکز در امور نخبگان، برخورد‌های نامناسب و نارضایتی‌ها، سفته‌پروری و سپردن مسئولیت‌های مهم به ناهلان، بی‌توجهی به جایگاه علم و عالم و مقوله پژوهش، انحصارطلبی کشورهای توسعه یافته و استقبال و سرمایه‌گذاری آنان برای جذب نخبگان و... به عنوان عوامل بازدارنده در بحث نخبگان مورد بررسی قرار گرفته است.

نگارنده در پایان مقاله، به پدیده مهاجرت نخبگان و علل و عوامل این پدیده می‌پردازد و با اشاره به برنامه‌ریزی بیگانگان در جهت جذب سرمایه‌های علمی و چهره‌های شاخص علوم و فنون کشور، انجام

\* نویسنده، پژوهشگر و مشاور فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی



سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب را برای جلوگیری از آثار نامطلوب آن پیشنهاد می‌نماید.

## واژه نخبه در لغت

نخبه در لغت به معنی برگزیده، زبده، بهین، انتخاب شده هر چیزی<sup>۱۰</sup> و یا هر شخص و صاحب فکر و اندیشه‌ای را گویند که دارای توان‌مندی و مهارت فکری و سازمان‌دهی باشد. نخبگان، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند:

۱- نخبگان فکری: افرادی هستند که فکر، اندیشه، نظریه، روش‌های بهینه، دوراندیشی و آینده‌نگری تولید می‌کنند.

۲- نخبگان ابزاری به افرادی که صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی باشند، اطلاق می‌شود.

## نخبگان از منظر اسلامی

اصطلاح نخبگان، مغزها، استعداد‌های شاخص و درخشان و چهره‌های ماندگار، تعبیر متعددی است که در سال‌های اخیر، زیاد به کار می‌رود و در مورد نقش نخبگان و شایستگیان در فرایند رشد و توسعه جامعه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، مطالب و دیدگاه‌های فراوانی ارائه شده است.

در آموزه‌های دینی به ویژه در سیره عملی پیشوایان بزرگ اسلامی نیز توجه به نخبگان و واگذاری مسؤلیت به افراد شایسته و با صلاحیت، به روشنی دیده می‌شود و در مدیریت اسلامی موضوع «شایسته‌سالاری» به عنوان یکی از شاخص‌های مهم، مورد توجه قرار گرفته است.

پیامبر گرامی اسلام(ص)، با اشاره به ضرورت تعیین مسؤولان و مدیران لایق و شایسته برای اداره امور مردم، چنین می‌فرماید:

«اگر کسی که سرپرستی امور مسلمانان را بر عهده می‌گیرد، فردی را به عنوان مسؤول برگزیند، در حالی که کسی را می‌یابد (و می‌شناسد) که برای تصدی امور مسلمانان از او بهتر باشد، به خدا و رسولش، خیانت ورزیده است.»<sup>۱۱</sup>

حضرت علی(ع) نیز اهمیت ویژه‌ای به تعیین مسؤولان نخبه و با صلاحیت برای



اداره امور جامعه قائل است. در این باره می‌توان به جریان برکنار کردن «محمدبن ابی‌بکر» از حکومت مصر و واگذاری مسؤلیت آن به «مالک اشتر» توسط آن حضرت، اشاره کرد.

امام علی(ع)، پس از این جابه‌جایی مسؤلیت، مطلع می‌گردد که محمدبن ابی‌بکر از این موضوع دلخور شده است، از این رو، ایشان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«أما بعد، خبر یافتم که از این که اشتر را به قلمرو فرمانت فرستاده بودم، دل‌تنگ شده‌ای. من این کار را به سبب کنندی تو در کار یا برای افزودن در کوشش تو نکرده بودم. اگر قلمرو فرمان تو را از تو گرفتم، بدان سبب بود که می‌خواستم تو را به کاری که انجام دادن آن بر تو آسان‌تر باشد و حکومت بر آن تو را خوش‌تر می‌افتد، برگمارم.»<sup>۱۲</sup>

فرمانروایی مصر، وظیفه‌ای خطیر و مسؤلیت بسیار سختی بود و مالک اشتر برای سرپرستی این کشور و تصدی مسؤلیت، بهتر و مناسب‌تر بود، لذا این مسؤلیت را از محمدبن ابی‌بکر گرفت و به مالک اشتر واگذار کرد تا اهداف و وظایف خویش را به گونه شایسته‌تری انجام دهد.

همین روش نیز در سیره عملی رسول گرامی اسلام مشاهده می‌شود، آن حضرت در جنگ خیبر، وقتی که دیگران موفق به گشودن درّهای خیبر نشدند، افسران و دلایران ارتش اسلام را فرا خواند و شخص پیامبر(ص)، سازماندهی لشکر را بر عهده گرفت و جمله ارزنده زیر را بیان فرمود:

«لَأُعْطِيَنَّ الزَّيْةَ غَدًا رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْهِ لَيْسَ بِفَرَارٍ.»

این پرچم را فردا به دست کسی می‌دهم که خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر او را دوست می‌دارند و خداوند این درّ را به دست او می‌گشاید، او مردی است که هرگز پشت به دشمن نکرده و از صحنه نبرد فرار نمی‌کند.<sup>۱۳</sup>

فردای آن روز، امیرمؤمنان علی(ع) از طرف پیامبر گرامی اسلام، فرماندهی ارتش اسلام را به دست گرفت و مأموریت یافت تا درّهای خیبر را بگشاید و سرانجام در نتیجه رشادت‌ها و شایستگی فوق‌العاده آن حضرت، قلعه خیبر فتح گردید.

در خصوص اهمیت دادن به شایستگان و سپردن کار به آنان در سیره عملی پیشوایان اسلامی، نمونه‌های فراوان دیگری نیز در متون دینی وجود دارد که به منظور



رعایت اختصار به ذکر سه نمونه یاد شده، بسنده می‌کنیم.

### رهنمودهای مقام معظم رهبری در توجه به نخبگان

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در اعتمادسازی و تقویت روحیه نخبگان، توجه کافی به نیازهای مادی و معنوی و جلب رضایت آنان می‌باشد. رسیدگی به نیازهای مشروع نخبگان، رشد و شکوفایی استعدادها، فراهم ساختن ابزارها و امکانات لازم برای آنان، باعث می‌شود تا با آرامش خاطر و بدون دغدغه، به تلاش و فعالیت خویش ادامه دهند. نخبگان باید احساس کنند که نوآوری و ابتکارهای آنها در سطح جامعه و کشور تأثیر می‌گذارد و همگان از خلاقیت، تفکر و اندیشه آنان به گرمی استقبال می‌کنند.

کشور پهناور و وسیع ایران اسلامی با داشتن ثروت‌ها، معادن و منابع سرشار خدادادی، دارای جوانان باهوش، مبتکر و برجسته‌ای است که سرمایه‌های عظیم و ارزشمند این مرز و بوم به شمار می‌آیند.

مقام معظم رهبری با اشاره به این توان و پتانسیل ویژه، چنین می‌فرماید:

«ما جوان‌های با استعدادی داریم؛ جوان‌هایی که به طور ویژه باید به آنها رسید. انسان حقیقتاً استعداد‌های برجسته‌ای را مشاهده می‌کند که بعضی از اینها برای برخی مطالعات و تحقیقات به کشورهای خارجی می‌روند و در آن جا، از این جوان‌ها استقبال می‌شود، در آن جا، این عده تشویق و ترغیب می‌شوند، امکانات در اختیارشان می‌گذارند و همه‌اش هم مسأله، مسأله پول نیست که بگویم این جوان جذب پول آن جا شده است؛ اما آنچه برای آنها مهم است، امکان تحقیق، پیشرفت و نوآوری علمی است.»<sup>۱۴</sup>

مقام معظم رهبری در فراز دیگری از بیانات خویش به برنامه‌ریزی‌های دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی در زمینه جذب نیروهای زبده و نخبگان کشور اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«دشمنان با توجه به انقلاب اسلامی و خطراتی که برای استکبار دارد، نسبت به کشور ما به طور ویژه برنامه‌ریزی کردند تا نگذارند در این جا مغزهای کارآمد و درخشان و استعداد‌های برجسته رشد کنند یا بمانند. آنها برنامه‌ریزی دارند و پول خرج می‌کنند و اصلاً دستگاه‌هایی برای شناسایی استعداد‌های درخشان کشورهای

مختلف دارند تا آنها را -چه در دوران کودکی و نوجوانی و جوانی و چه در دوران به ثمر رسیدن و کارآیی- برابند. آنها حتی نیروهای زبده و خوب ما را می‌ربایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند که حتی آنهایی که در خود کشورهای جهان سوم علم یاد می‌گیرند، استعداد دارند، برای این کشورها به کار بیایند.<sup>۱۵</sup>

### آسیب‌شناسی نخبگان

با عنایت به آنچه که درباره اهمیت نخبگان و ضرورت توجه به آنان در آموزه‌های دینی و دیدگاه رهبری معظم انقلاب بیان شد، به منظور حفظ و حمایت از نخبگان و نظام شایسته سالاری و همچنین استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی آنان در جهت توسعه کشور، ایجاب می‌کند، متناسب با دانش و هنر روز، زیرساخت‌ها و شرایط لازم را برای تقویت و بالندگی شایستگان فراهم سازیم و از سوی دیگر، آسیب‌ها و چالش‌های اساسی را مورد شناسایی قرار داده و در جهت جلوگیری از آفت‌ها و عوامل آسیب رسان اقدام شایسته‌ای به عمل آوریم.

به طور کلی، آفات و آسیب‌هایی که نخبگان را تهدید می‌کند، در دو بخش، داخلی و خارجی تقسیم می‌گردند.

#### الف - چالش‌های داخلی:

عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری نخبگان در داخل کشور را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

#### ۱- دیوان سالاری و نارسایی‌های نظام اداری

اقدامات پراکنده، ناهماهنگ و ناهمگون دستگاه‌ها، نبود قوانین مکفی برای حمایت‌های مادی و معنوی از نخبگان، کاغذ بازی و بوروکراسی و وجود مقررات دست و پاگیر، باعث شده است که افراد شایسته و زبده، همواره با چالش‌های بسیاری مواجه گردند و زمینه برای ورود «غیرشایستگان» در عرصه‌های مختلف فراهم شود.

مقام معظم رهبری در یکی از بیانات مهم خویش، با اشاره به این آفت زیان بار، بر لزوم توجه بیش از پیش و جدی به نوآوری و تولید علم، در مورد رفع مشکلات نخبگان

جوان، می‌فرمایند:

«... استعداد‌های بسیار برجسته و گاه کمیاب هستند. بایستی دستگاه مخصوصی مسؤولیت سروسامان دادن به کار این جوان‌ها را بر عهده بگیرد که اگر این عده خواستند از امتیازی برخوردار شوند، پیچ و خم اداری و مشکلات گوناگون و تحقیر و... در مقابلشان نباشد و آن دستگاه واقعاً به طور ویژه، دست این افراد را بگیرد و آن جایی که باید اینها را نشانند، بنشانند.»

در این مسیر اشکالات و موانعی وجود دارد و راه دشوار اداری و دالان پر پیچ و خم دیوان‌سالاری نگذاشته است که کار درست انجام بگیرد. این مشکلات ایجاب می‌کند که ما دستگاه ویژه‌ای را برای رسیدگی به همین موارد تعیین کنیم. نباید جوان‌ها را از این کار مأیوس کرد؛ ما می‌توانیم این کار را بکنیم. این مطلب بایستی به‌طور جدی در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار بگیرد و آن را دنبال کند، نوآوری و تولید علم در همهٔ مقوله‌ها و علوم، بخصوص در مقولهٔ علوم انسانی، لازم است.»<sup>۱۶</sup>

## ۲- سیاسی کاری و سیاست بازی

به منظور استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های علمی نخبگان ضروری است، بسترسازی و سازوکارهای لازم ایجاد شود تا در سایه فضای سالم و عاری از فساد و تبعیض، در جهت تولید علم و دانش و فن‌آوری فعالیت نمایند.

چنانچه در فضای علمی و فرهنگی، سیاست‌بازی و گرایش‌های سیاسی، جای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را اشغال نماید و به جایگاه علم و دانش و پژوهش و نخبگان علمی بی‌توجهی شود بدون تردید، اثرهای نامطلوبی را ایجاد کرده و شایستگان و خبرگان جامعه آسیب می‌بینند.

مقام معظم رهبری در این باره، حضور پرانگیزش، مصمم و قوی نخبگان در عرصه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری را کاملاً ضروری برشمرد و خاطر نشان می‌کنند:

«میل به پیشرفت و عزم و اراده نخبگان جوان علمی و استادان دانشگاه‌ها برای تولید علم و ایجاد جنبش نرم‌افزاری، بسیار مبارک است و باید این حرکت را پر امید و پر نشاط و مصمم ادامه یابد...»

باید در این گونه مجموعه‌ها و همه جوامع علمی، از سیاسی‌کاری و سیاست بازی



کاملاً پرهیز شود؛ چرا که تأثیرگذاری گرایش‌های سیاسی در کارهای علمی و پژوهشی، بدون تردید آثار مخربی به دنبال خواهد داشت...

فضای علمی کشور باید فضای تولید و ترویج علم و پژوهش و پرورش محقق و عالم باشد که در این زمینه نخبگان و هم مسئولان، وظایفی بر عهده دارند.<sup>۱۷</sup>

### ۳- نبود مدیریت متمرکز در امور نخبگان

یکی دیگر از چالش‌ها و عوامل تأثیرگذار در آسیب‌پذیری نخبگان، نبود یک متولی مشخص برای رسیدگی و رتق وفتق امور نخبگان است. از این رو شایسته است، دستگاهی تحت عنوان «بنیاد» یا «سازمان نخبگان علمی کشور» تشکیل شود تا با بهره‌گیری از بانک اطلاعاتی جامع، نخبگان و استعداد‌های گمنام را مورد شناسایی قرار داده و در جهت حفظ و حمایت از آنان تلاش نماید.

مقام معظم رهبری، ایده مدیریت متمرکز امور نخبگان را ایده خوبی ارزیابی کرده و در مورد چگونگی اداره این دستگاه عقیده دارند:

«دستگاهی که دولت برای این مسأله ایجاد می‌کند، لازم است به دست نخبگان اداره شود.»<sup>۱۸</sup>

### ۴- برخوردهای نامعقول و ایجاد نارضایتی

عامل دیگری که باعث بی‌رغبتی و رنجش خاطر و بی‌انگیزگی نخبگان و افراد صلاحیت‌دار می‌شود، برخوردهای غیر فرهنگی و غیرمنطقی است که از سوی برخی از افراد، سر می‌زند. تأمین مطلوب نیازمندی‌ها و رسیدگی به وضعیت معیشتی و شغلی، اهمیت دادن به جایگاه علمی، تحقیقی و پژوهشی نخبگان، موجب خواهد شد تا با دلگرمی و رضایت خاطر به تحقیق و پژوهش خود ادامه دهند و زمینه‌های لازم برای مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان فکری، آموزشی و فرهنگی کشور فراهم شود. به هر حال باید سعی نمود تا با الگو قرار دادن رفتار اسلامی و انسانی، اعتماد نخبگان را برای ورود به بدنه مدیریتی کشور و استفاده از تجربیات و دستاوردهای آنان، جلب کرد و از هرگونه برخورد نامناسب و تنش‌زا، پرهیز نمود.



## ۵- سفله پروری و واگذاری مسؤولیت به ناهلان

یکی از مؤلفه‌های مهم، در ساماندهی امور، انتخاب مدیران لایق و پرهیز جدی از سپردن کارها به غیر شایستگان و ناهلان است. در انتخاب بسیاری از مسؤولان و مدیران، شایستگی، استعداد و حوزه مدیریتی آنان، مدنظر قرار نمی‌گیرد و بیشتر براساس این که چقدر مورد اعتماد مدیر مافوق هستند، انتخاب می‌شوند. سرانجام چنین شیوه نادرستی که نخبگان در جایگاه اصلی خویش قرار نگرفته و رابطه بر ضابطه چیره می‌گردد، باعث خواهد شد تا به طور طبیعی علاقه و رغبت افراد شایسته و نخبه، به کار و انجام وظایف کاهش یافته و احساس اجحاف و بی‌عدالتی کنند.

یکی از استادان و چهره‌های سیاسی کشور، با اشاره به این آفت و پی‌آمدهای نامطلوب آن، چنین می‌گوید:

«مسأله فرار مغزها، پدیده مخصوص ایران نیست؛ اما یکی از عوامل مؤثر در این موضوع، کوتوله‌پروری و یا سفله پروری است که در واقع همان ترجیح افراد سطح پایین در تصدی مسؤولیت‌های مهم است. نخبگی علامتی نیست که روی سینه افراد حک شود؛ بلکه پرورش نخبگی به رفتار مدیریتی کشور وابسته است. اگر در کشور، کوتوله‌پروری و سفله‌پروری رواج پیدا کند و هر مدیری به دنبال این مسأله باشد که افراد وابسته به خودش را به کار گمارد، هیچ‌گاه نخبگان رشد نمی‌کنند.

ایشان، علم‌گرایی را به دور از جنجال‌ها و هیاهوی روزمره می‌داند و تأکید می‌کند:

«اگر بنا باشد، افراد با جنجال و هیاهوی یک شبه، علامه شوند و یا با یک روزنامه

نابغه شوند، در این صورت نخبگی، رشد نخواهد کرد.»<sup>۱۹</sup>

علاوه بر آفت‌ها و آسیب‌های پنج‌گانه که اشاره گردید، عوامل دیگری نیز هستند که به عنوان موانع و چالش‌های مهم درون مرزی، نخبگان را تهدید می‌کنند. برای رعایت اختصار، ناچاریم به طور فهرست‌وار، به برخی از آنها اشاره کنیم:

۱- نبود روحیه کار گروهی در میان محققان و دانش‌آموختگان.

۲- نبود امکانات کافی و نارسایی‌های اقتصادی.

۳- بی‌توجهی به جایگاه علم و دانش و پژوهش و بی‌توجهی به دانش‌پژوهان و

نخبگان.

۴- عدم بهره‌گیری از یافته‌ها و تجربیات علمی و فکری آنان.



۵. وجود سیستم و ساختار سنتی و ناکارآمد و فردگرا.

۶. سلب قدرت تصمیم‌گیری و عدم توجه به نقطه نظرات و تحقیقات آنان.

### ب. چالش‌های برون مرزی (خارجی)

علاوه بر چالش‌ها و آسیب‌هایی که از ناحیه بخشی از سیستم ناکارآمد اداری در داخل کشور، نخبگان را تهدید می‌کند، پاردهای از علل و عوامل بیرونی و جاذبه‌های موجود در کشورهای دیگر نیز باعث ایجاد سدّ و مانع در بهره‌گیری از تجارب و قابلیت‌های نخبگان در درون مملکت خواهد شد و در نهایت، جامعه در ابعاد مختلف به شدت آسیب می‌بیند و افراد نخبه با کوله باری از تجربه و استعداد‌های سرشار، راهی سایر کشورها خواهند شد.

استقبال و سرمایه‌گذاری برخی از کشورهای پیشرفته، به انحصار در آوردن بعضی از علوم و فناوری‌ها از سوی آنها، از جمله علل و عوامل، مهاجرت نخبگان به کشورهای دیگر شده است.

مقام معظم رهبری، تولید علم و فناوری را به عنوان عامل مؤثری در مبارزه با انحصارطلبی کشورها می‌دانند و مسئولان نظام را برای فراهم ساختن زمینه تحقق این هدف بسیار مهم، فرا می‌خوانند و می‌فرمایند:

«بخشی از کشورها، با به انحصار در آوردن بعضی از علوم و فناوری‌ها، آنها را وسیله تحقق اهداف سیاسی خود قرار داده‌اند؛ اما علم و ثروت باید در جهان توزیع عادلانه شود و از انحصار عده‌ای خاص بیرون بیاید که برای این کار می‌توان با عزمی راسخ، حضور فعال در میدان تولید علم و دانش و بهره‌برداری صحیح از منبع عظیم استعدادهای داخلی، با انحصارطلبی برخی کشورها، مبارزه کرد.»<sup>۲۰</sup>

البته علل و عوامل دیگری چون؛ ارتقاء سطح علمی، دانش افزایی، تحصیل، تحقیق، تدریس، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین جهانی را نیز می‌توان انگیزه مهاجرت نخبگان به کشورهای دیگر به حساب آورد.

### پدیده مهاجرت نخبگان

«مهاجرت صلاحیت‌ها» عنوان تعبیری است که سازمان ملی یونسکو (Unesco)، برای



پدیده فرار مغزها یا همان مهاجرت نخبگان به کار می‌برد.

در هر حال با توجه به تعابیر گوناگونی همچون فرار، دفع یا صدور مغزها، مهاجرت اجباری نخبگان، شکار مغزها و ربودن استعدادها، که برای این پدیده جهانی به کار می‌رود، بایستی اذعان داشت، جذب استعدادهای درخشان و چهره‌های شاخص علوم و فنون کشور به خارج، پدیده‌ای نیست که تنها در سال‌های اخیر رخ داده باشد؛ بلکه پدیده‌ای است که جهان و به ویژه کشورهای جنوب و در حال توسعه، به طور جدی بیش از چهار دهه است که با آن مواجه هستند و در شرایط امروز جهان و تبدیل شدن آن به دهکده جهانی و عصر فراتکنولوژی و جهان ارتباطات و اطلاعات، شتاب به مراتب بیشتری به خود گرفته است. به گونه‌ای که هر ساله حدود یک میلیون دانشجو در جست و جوی تحصیلات عالی به دیگر کشورها هستند که در این میان بیشترین درخواست مربوط به کشور آمریکا است.

به اعتقاد کارشناسان علوم مختلف دانشگاهی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند مهاجرت به خارج در گستره وسیعی برعکس شد، به نحوی که بسیاری از دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به امید مشارکت واقعی در برنامه‌ها و عرصه‌های سازندگی کشور، بازگشتند؛ اما این وضعیت غرورآفرین به دلایل متعدد دیری نپایید و در خلال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و به ویژه پس از آن، مهاجرت نخبگان از کشور روند وسیع‌تری به خود گرفت که متأسفانه این امر در سال‌های اخیر رشد تکان دهنده‌ای داشته است.<sup>۲۱</sup>

«جامعه‌شناسان معتقدند، مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای جهان شمول، بسیار پیچیده و چند وجهی است که دلایل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و علمی دارد. بنابراین باید آن را با نگرشی پویا و فراگیر تحلیل، و از هرگونه برخورد روبنایی و انتزاعی پرهیز کرد، لذا می‌توان افزایش هفت برابری پدیده «فرار مغزها» طی چهار دهه اخیر را در همین راستا قلمداد نمود.»<sup>۲۲</sup>

لازم به یادآوری است که همه مهاجران ایرانی را نمی‌توان نخبه قلمداد کرد و مهاجرت آنها را به عنوان فرار مغزها، تلقی نمود، اگرچه شاید تعداد اندکی از آنان، هنگامی که در ایران بودند، در زمره نخبگان علمی و فنی و اقتصادی و مدیریتی محسوب می‌شدند.

## نخبگان ایرانی، هدف مراکز علمی خارجی

«برطبق آخرین آمار ارائه شده از سوی باشگاه دانش پژوهان جوان کشور، نشان دهنده آن است که از میان حدود ۳۷۶ نفر دانش آموز برگزیده در المپیادهای جهانی حدود ۲۶۲ نفر در خارج از مرزهای ایران به سر می‌برند و بقیه به وطن بازگشتند.»<sup>۲۲</sup>

بحث مهاجرت دانش پژوهان و برگزیدگان المپیادها، عمدتاً از سال‌های بعد از اتمام دوره لیسانس مطرح می‌شود، که آنها با دو موضوع انگیزه علمی و موقعیت شغلی دست به چنین کاری می‌زنند و اگر در جهت ایجاد شرایط مناسب شغلی و شأن درخور علمی برای این نخبگان تلاش جدی به عمل نیاید، خسران خواهیم دید.

تعدادی از استادان، محققان، مدیران و متخصصان که برجستگی خاص و فوق‌العاده‌ای در کار خود دارند، به مشاغلی چون تدریس و تحقیق و مدیریت در کشورهای مقصد، مشغول هستند و تعداد بسیاری از آنان دارای انگیزه علمی می‌باشند، نه انگیزه مادی.

«ایرانیان نسبت به مهاجرین سایر کشورها به ویژه در اروپا و آمریکا از موقعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار بالایی برخوردار هستند. مقامات رسمی آمریکا کراراً ابراز کرده‌اند که جامعه ایرانیان مقیم آن کشور از نظر درصد افراد با سطح تحصیلات عالی و ثروتمند، در میان سایر جوامع خارجی مقیم آمریکا در مقام اول قرار دارند. براساس آمار ارائه شده، حدود ۴۶ درصد از ایرانیان با مدرک بالاتر از لیسانس هستند که این خود بالاتر از میانگین این شاخص در میان اهالی آمریکاست.

همچنین ۴۳ درصد از آنان دارای موقعیت بالای حرفه‌ای و مدیریتی، و ۳۵ درصد در کارهای تخصصی می‌باشند. متوسط درآمد ایرانیان سالانه ۵۵۰۰۰ دلار است و ۹۲ درصد آنان خانه شخصی دارند که بالاتر از سطح متوسط شاخص آمریکاییان است. طبق برخی از آمارهای غیررسمی در میان ایرانیان مقیم آمریکا ۱۸۰ نفر در سازمان فضایی «ناسا» شاغل هستند. در دانشگاه معروف، ام.آی.تی MIT ریاست سه دپارتمان با ایرانیان است و در نیویورک حدود ۸۰۰ نفر متخصص کامپیوتر و ۵۰۰۰ پزشک ایرانی زندگی می‌کنند و تقریباً دانشگاه معتبری در آمریکا نیست که تعدادی ایرانی، در آن عضو هیأت علمی نباشند.»<sup>۲۴</sup>

در کشورهای دیگری چون، آلمان، فرانسه، انگلیس، کانادا، امارات متحده عربی و...





نیز وضعیت تقریباً به همین منوال است و تعداد زیادی از نخبگان که می‌توانستند، توان علمی خود را در اختیار مردم کشورمان قرار دهند، به سرعت جذب دانشگاه‌ها و مراکز معتبر علمی و مدیریتی دنیا گردیده و از این طریق موجب صرفه‌جویی هزینه‌های قابل توجهی برای کشورهای مقصد شده‌اند.

در مقابل آنچه که از آسیب‌ها و مشکلات فراروی نخبگان، گفته شد، ضروری است، در جهت چاره‌اندیشی و جلوگیری از آسیب‌ها نیز به‌طور خلاصه، راهکارهایی ارائه نماییم. برای نیل به این مقصود، شایسته است مهم‌ترین نکاتی که جمعی از نخبگان کشورمان در دیدار با مقام معظم رهبری داشته‌اند، و در حقیقت مجموعه‌ای از نیازمندی‌ها و درخواست‌های اساسی زبندگان و افراد خبره به حساب می‌آید، به ترتیب زیر اشاره می‌شود:

- ۱- لزوم استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی و فکری نخبگان در جهت توسعه کشور.
- ۲- فرهنگ‌سازی برای تصحیح نگرش نسل جوان به علم.
- ۳- ایجاد زمینه جهت ارتقای علمی نخبگان جوان و ارتباطات علمی آنان با محققان خارج از کشور.
- ۴- ارتباط بیش از پیش مسئولان مراکز علمی با نخبگان.
- ۵- ضرورت افزایش بودجه پژوهشی در کشور و لزوم توجه جدی به تحقیقات در مراکز علمی.
- ۶- بسترسازی مناسب برای استفاده از نخبگان در صنعت کشور.
- ۷- لزوم حرکت انقلابی در جهت رفع موانع و مشکلات جنبش نرم‌افزاری.
- ۸- رسیدگی به وضعیت معیشتی و آتیه شغلی نخبگان.
- ۹- توجه بیش از پیش به زبان و ادبیات فارسی در کتاب‌های درسی.
- ۱۰- ضرورت پرهیز از افراط برای حضور در مسابقات علمی بدون حمایت لازم از نخبگان.
- ۱۱- شناسایی نخبگان و استعداد‌های گمنام.
- ۱۲- لزوم حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان طرح‌های علمی.
- ۱۳- انتقاد از دریافت پول در برخی از دانشگاه‌های دولتی و قوانین و ضوابط دست و

۱۴- لزوم اصلاح نظام آموزشی در مدارس و تغییر شیوه نمره محوری به خلاقیت محوری.

۱۵- تقویت هویت ملی در میان دانش پژوهان.

۱۶- لزوم تغییر در شیوه برگزاری کنکور.

۱۷- ضرورت توجه بیش از پیش و جدی به مقوله پژوهش و نظام آموزشی کشور.

۱۸- تشکیل سازمان و یا بنیاد ملی نخبگان علمی کشور.

۱۹- توصیه به رسانه‌های گروهی مبنی بر الگو قرار دادن نخبگان علمی برای جوانان کشور.

۲۰- لزوم اعتماد به جوانان نخبه و ایجاد زمینه برای ورود نخبگان به بدنه مدیریتی کشور و چرخش مدیریت در میان نخبگان.

۲۱- توزیع عادلانه امکانات و اعتبارات علمی تحقیقاتی.

۲۲- شناسایی، حفظ و حمایت از نخبگان و سوق دادن آنها به سوی یک هدف مشخص و متمرکز با بسیج علمی.

۲۳- ضرورت تنظیم آیین‌نامه‌ای جهت حمایت از نخبگان و مشخص شدن متولی اصلی نخبگان.

۲۴- اهمیت دادن به علم و عالم در جهت تحقق اهداف جنبش نرم‌افزاری.

۲۵- مشارکت دادن نخبگان علمی در تصمیم‌گیری‌های کلان امور آموزشی و علمی و توجه کامل به ارزش‌های اصیل اسلامی.

۲۶- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درست به منظور رشد و شکوفایی استعدادها در داخل کشور.

۲۷- لزوم تأسیس بانک اطلاعاتی جامع از نخبگان و چهره‌های ماندگار کشور.

۲۸- ضرورت فرهنگ‌سازی در جهت بها دادن به شایستگان، با استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی علمی کشور.<sup>۲۵</sup>



## پی‌نوشت‌ها:

۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، ج ۱۳، ص ۱۹۷۷۹، واژه نخبه.
۱۱. خلاف، عبدالوهاب. (۱۴۰۷ ق). *السیاسة الشرعية*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ص ۶.
۱۲. *نهج البلاغه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نامه ۳۴، ص ۶۸۳.
۱۳. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، جلد ۲، ص ۶۴۷.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، مورخ ۸۲/۱۰/۲۳.
۱۵. همان مدرک.
۱۶. همان مدرک.
۱۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان، به مناسبت عید سعید غدیر خم، سه شنبه ۸۲/۱۱/۲۱.
۱۸. همان مدرک.
۱۹. لاریجانی، محمدجواد، خبرگزاری مهر، سه شنبه، مورخ ۸۲/۶/۱۰.
۲۰. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان کشور، سه شنبه ۸۲/۱۱/۲۱ به مناسبت عید سعید غدیر خم.
۲۱. خبرگزاری مهر، سه شنبه ۸۲/۶/۱۰.
۲۲. همان منبع.
۲۳. روزنامه همشهری، چهارشنبه ۸۲/۵/۱۵، شماره ۳۱۲۸.
۲۴. روزنامه همشهری، شنبه ۸۲/۶/۱۰، شماره ۳۱۴۵.
۲۵. خلاصه‌ای از نیازهای اساسی نخبگان در دیدارهای جداگانه سه شنبه مورخ ۸۲/۱۱/۲۱ و یکشنبه ۸۲/۷/۵ با رهبر معظم انقلاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی